

شناخت تأثیر بی‌هنجاری با تأکید بر سه بُعد (بی‌معنایی، بی‌اعتمادی، بی‌قدرتی) بر بی‌تفاوتی اجتماعی
(مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و تهران شمال در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰)

ندا سیدین^۱، عبدالرضا ادهمی^۲، طلیعه خادمیان^۳

چکیده

در مطالعات اجتماعی از مفهومی چون بی‌تفاوتی به عنوان یکی از آسیب‌های مهم در روابط انسانی، مانعی برای رسیدن به توسعه و از عوارض شهرنشینی در عصر جدید یاد شده است و بروز چنین پدیده‌ای به ویژه در نسل جوان دانشگاهی مسأله‌ای است که می‌تواند به پویایی و نشاط جامعه صدمه وارد کند. از این رو بررسی این مسأله در یک منطقه یا شهر می‌تواند به روشن شدن آن کمک کند و از این رو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هدف این پژوهش شناخت تأثیر بی‌هنجاری با تأکید بر سه بُعد (بی‌معنایی، بی‌اعتمادی و بی‌قدرتی) بر بی‌تفاوتی اجتماعی است. جامعه مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و تهران شمال است. روش مورد استفاده پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته است.

۱- دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
neda.seyedin@yahoo.com

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤل)
a_adhami@iau-tnb.ac.ir

۳- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
t_khademian@iau-tnb.ac.ir

یافته‌ها نشان دادند که؛ میزان بی‌معنایی با مقدار همبستگی ($r=0/267$)، بی‌اعتمادی با مقدار همبستگی ($r=0/245$) و بی‌قدرتی با مقدار همبستگی ($r=0/397$) است و با توجه به نتایج همبستگی میان متغیرهای تحقیق مشاهده شد که رابطه مثبت و معناداری بین ابعاد سه‌گانه بی‌هنجاری اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه میزان ابعاد سه‌گانه بی‌هنجاری اجتماعی بالاتر باشد، بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی

بی‌هنجاری، بی‌معنایی، بی‌اعتمادی، بی‌قدرتی، بی‌تفاوتی اجتماعی.

بیان مسأله

توسعه یکی از اهداف جوامع معاصر است و بی‌تردید فرایند رسیدن به آن بدون حضور افراد توسعه یافته میسر نمی‌شود. در هر جامعه‌ای شرایطی بنیادین وجود دارد که در صورت نبود آنها در جامعه اخلال به وجود می‌آید و یکی از مهم‌ترین آنها این است که جمعیت جامعه بی‌تفاوت شود که این می‌تواند تهدیدی جدی برای رشد و توسعه آن جامعه باشد. محققانی چند بی‌تفاوتی اجتماعی^۱ را مترادف با عزلت‌گزینی، بی‌علاقه‌گی و نبود مشارکت افراد در اشکال متعارف اجتماعی معنا کرده و آن را مقابل علاقه اجتماعی، درگیری در فعالیت‌های اجتماعی، روان‌شناختی و سیاسی قرار داده‌اند (محسنی تبریزی، ۱۳۹۰: ۴). بی‌تفاوتی اجتماعی وضعیتی است که طی آن افراد در جامعه نسبت به هم نوعان، اوضاع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و شرایط موجود و آینده دچار بی‌اعتنایی می‌شوند، و ابعاد آن که می‌تواند شامل بی‌تفاوتی در مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی، بی‌تفاوتی در رفتار، بی‌تفاوتی در علاقه‌مندی و بی‌تفاوتی در حس همدلی با دیگران باشد، و مختص قشر یا کشور یا جامعه خاصی هم نیست، بلکه می‌توان گفت که در اکثر کشورهای دنیا با توجه به مطالعات و بررسی‌های به عمل آمده و آن چه از شواهد و رویدادهای منتشره از طریق رسانه‌ها عنوان می‌گردد، وجود دارد. برخی از محققان ایرانی در یک دهه اخیر بر این باور بوده‌اند که ایران و بسیاری از

1. Social Apathy

جوامع جهان سوم، به طور عمومی در شرایط بی‌هنجاری، به صورت حاد یا مزمن به سر می‌برند (چلبی، ۱۳۹۵). یعنی نوعی وضعیت آنومیک که اغلب در فرایند گذار شتابان از جامعه پیش‌مدرن به مدرن در نتیجه جریان‌های نوسازی پدید می‌آید (دورکیم^۱، ۱۳۹۸) و وضعیت پیچیده‌ای است که با بی‌هنجاری یا ضعف هنجاری و تعارض همراه است که سه بُعد: بی‌معنایی، بی‌اعتمادی و بی‌قدرتی از بارزترین مشخصه‌های آن است و پرداختن به آنها می‌تواند به روشن شدن مسأله کمک بسیاری کند.

بی‌تفاوتی در طیف وسیعی، انواعی از بی‌توجهی‌ها و بی‌میلی‌های بشر در موضوعات مختلف نظیر بی‌توجهی به حادثه دیدگان، نیازمندان، گران‌فروشی، بی‌عدالتی، تخریب محیط زیست، مفاسد اجتماعی و در سطحی وسیع‌تر بی‌تفاوتی دولت‌ها به نسل‌کشی ناشی از جنگ‌های نابرابر را در بر می‌گیرد (میرزاپوری، ۱۳۹۵: ۱۶).

با توجه به نکات مذکور و اهمیت مشارکت در سطح جامعه، در این پژوهش کوشش شده است که دلایل بی‌تفاوتی دانشجویان مورد بحث و بررسی قرار گیرد و ضمن آن به این پرسش‌ها نیز پاسخ داده شود که: آیا دانشجویان و قشر تحصیل‌کرده نسبت به شرکت کردن در امور شهر و جامعه خود بی‌تفاوت شده‌اند؟ و اگر شده‌اند چرا و به چه میزان؟. آیا عواملی هم چون بی‌قدرتی، بی‌اعتمادی و بی‌معنایی، باعث شده است که قشر تحصیل‌کرده، به خصوص دانشجویان را نسبت به مسائل جامعه بی‌تفاوت و بی‌اعتنا کند؟

پیشینه پژوهش:

تحقیقات داخلی:

- ادهمی، مرادی و صفاریان (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بی‌تفاوتی (مورد مطالعه: جوانان شهر کرمانشاه)» به این نتیجه رسیدند که میزان محرومیت نسبی، فردگرایی و امید به آینده با بی‌تفاوتی اجتماعی جوانان ارتباط معناداری دارند ولی متغیرهایی زمینه‌ای مانند سن، جنس، وضعیت تأهل، وضعیت شغلی،

قومیت، محل سکونت، محل تولد، مدت زمان سکونت بر بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان تأثیر معناداری نداشتند.

- عنبری و غلامیان (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی» به این نتایج دست پیدا کردند که افراد با بی‌تفاوتی بالاتر، در مقایسه با دیگران، جامعه را بی‌هنجارتر و قانون‌گریزتر دیده‌اند و هر چه اعتماد به جامعه بیشتر باشد افراد نسبت به مسائل اجتماعی حساسیت بیشتری دارند. یعنی بی‌اعتمادی و نارضایتی خود به مثابه شاخصی همگرا با بی‌تفاوتی عمل کرده‌اند.

- نوابخش و میرزاپوری (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان شهر بابل)» نشان دادند که بی‌تفاوتی اجتماعی در زنان بیشتر از مردان است. هم‌چنین با افزایش سن و درآمد از میزان بی‌تفاوتی اجتماعی کاسته می‌شود. میان متغیر بی‌هنجاری و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد، به طوری که با افزایش (یا کاهش) بی‌هنجاری، میزان بی‌تفاوتی اجتماعی افزایش (یا کاهش) می‌یابد. هم‌چنین میان بی‌هنجاری و بُعد بی‌تفاوتی مدنی رابطه معناداری وجود دارد ولی میان بی‌هنجاری و بُعد بی‌تفاوتی نوع دوستانه رابطه‌ای معناداری مشاهده نشده است.

- ظهیری‌نیا، گلابی و هدایت ایوریک (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی» دریافتند که میان متغیرهای سن، گروه تحصیلی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنی‌دار وجود دارد. هم‌چنین متغیرهای بیگانگی اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، محرومیت نسبی، تحلیل هزینه - پاداش و ادراک عدالت با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنی‌دار دارند.

- تاج‌الدینی (۱۳۹۳) در تحقیق با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد مطالعه: منطقه ۱۳ شهر اصفهان)»، نشان داده است که: رابطه معناداری بین متغیرهای مستقل (اعتماد نهادی، رضایت اجتماعی، امنیت

اجتماعی و مدت زمان سکونت) با مشارکت وجود دارد در حالی که بین متغیرهای مستقل و پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نوع مالکیت با مشارکت تفاوت معناداری وجود ندارد. الگوی نهایی نشان داده که بیشتر از همه، متغیر مستقل اعتماد نهادی بر مشارکت اجتماعی مؤثر است.

- نبوی، نواح و امیرشیرزاد (۱۳۹۳) در مطالعه‌شان به «بررسی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر دزفول)» پرداختند. این پیمایش بر روی نمونه‌ای ۳۸۴ نفر از شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر دزفول در سال ۱۳۹۲ انجام شد. نتایج حاکی از آن بود که بین متغیرهای مستقل پایگاه اجتماعی - اقتصادی، احساس از خود بیگانگی، احساس همدلی، احساس نا امنی و سرمایه اجتماعی همبستگی معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون مشخص شد که حدود ۳۰٪ تغییرات بی‌تفاوتی اجتماعی به وسیله پنج متغیر احساس همدلی، احساس از خود بیگانگی، سرمایه اجتماعی، احساس نا امنی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی که به ترتیب تأثیرگذارترین عوامل بر بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان دزفولی می‌باشند تبیین شده است.

- صدافتی‌فرد و محسنی‌تبریزی (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «مطالعه بی‌تفاوتی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، انجام دادند و به این نتایج دست پیدا کردند که میان متغیرهای قومیت، شغل و تحصیلات از صفات زمینه‌ای تفاوت مشاهده شد و بین تمامی متغیرهای مستقل اصلی یعنی؛ بی‌هنجاری (آنومی)، اعتماد اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، رضایت اجتماعی، محرومیت نسبی، فردگرایی، تحلیل هزینه - پاداش و التزام مدنی رابطه معنی‌داری بدست آمد.

- نادری و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای درباره بی‌تفاوتی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن به این نتیجه رسیدند که بین ابعاد متغیر بیگانگی اجتماعی احساس بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی، تنفر از خویشان و بی‌اعتنایی اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.

تحقیقات خارجی:

- آنا زلنینا^۱ (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان سندرم بی‌تفاوتی و این که چگونه ما تربیت شده‌ایم که به سیاست اهمیت ندهیم نقش عواطف در جنبش‌های اجتماعی را مورد بررسی قرار داد که به بررسی فرآیندهای تفکر و احساس درگیر در تولید نگرش‌های غیرسیاسی با توجه ویژه به بافت اجتماعی و فرهنگی آن پرداخته و به این نتیجه رسید که هنجارهای فرهنگی مناسب بودن و بیان عاطفی می‌تواند مانع یا تقویت احساسات درگیر در فرآیندهای بسیج شود. مصاحبه با ۶۰ نفر از جوانان در دو شهر روسیه در جریان و پس از اعتراضات ضد رژیم ۲۰۱۱-۲۰۱۲ نشان داد که سندرم بی‌تفاوتی می‌تواند ترکیبی از مکانیسم‌های احساسی و هنجارهای فرهنگی باشد که باعث ایجاد بی‌تفاوتی سیاسی می‌شود تجارب نا امیدکننده شخصی به بدبینی طولانی‌مدت و بی‌اعتقادی به کارآمدی کنش جمعی تبدیل می‌شود؛ فرآیندی که با انتقال بی‌تفاوتی در خانواده‌ها و مؤسسات آموزشی و هم چنین با هنجارهای فرهنگی احساسات مناسب تشدید می‌شود. کلیشه‌های فرهنگی و جدایی از دیگران به مردم کمک می‌کند تا با این دام کنار بیایند و بی‌عملی را توجیه کنند.

- جسیکا و لیندسی^۲ (۲۰۱۸)، در مطالعه‌ای تحت عنوان انزوای اجتماعی و تنهایی، دو متغیر سن و محل سکونت را با انزوای اجتماعی مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که انزوای اجتماعی و تنهایی در میان بزرگسالان مسن‌تر در ایالات متحده با پیامدهای گسترده و خطر مرگ و میر به همراه است. نتایج کمی این تحقیق نشان داد که بزرگسالان آمریکایی (کسانی که دارای وضعیت اجتماعی-اقتصادی بالاتری بودند؛ کسانی که تنها زندگی نمی‌کردند و آنهایی که به مرکز شهر نزدیک‌تر بودند) احتمال کمتری داشت که احساس منزوی بودن و تنهایی کنند.

- سرفراز و احمد^۳ (۲۰۱۲) در تحقیقی کیفی با عنوان «دلایل گرایش سیاسی و بی‌تفاوتی در میان دانشجویان» به بررسی دلایل مختلف برای علاقه سیاسی و بی‌تفاوتی

1. Anna Zhelnina
2. Jessica and Lindsay
3. Sarfaraz, Ayesha, ahmed, shahla

میان دانشجویان دانشگاه‌ها پرداختند. هدف درک این موضوع بود که چرا بعضی از جوانان نسبت به نظام سیاسی علاقه‌مند و بعضی دیگر بی‌تفاوت هستند؟. تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که اگر چه همه شرکت‌کنندگان به اتفاق آراء موافقت کردند که در نظام سیاسی نقص وجود دارد، اما شرکت‌کنندگانی که علاقه‌مند به سیاست بودند، دیدگاهی خوش‌بینانه داشتند؛ یعنی که از طریق دخالت در سیاست تغییر به وجود بیاورند. در افرادی که بی‌تفاوت بودند بیشتر نقطه‌نظری بدبین نسبت به سیاست و در نتیجه احساس درماندگی آموخته شده داشتند. اعتقاد آنان بر این بود که بدون توجه به آن چه انجام می‌دهند تمام تلاش خود را بی‌ثمر می‌دیدند.

- دوایت دین^۱ (۲۰۰۸) در پژوهشی به بررسی رابطه میان بیگانگی و بی‌تفاوتی جامعه می‌پردازد. وی بیگانگی را با توجه به برخی متغیرهای مورد نظر سیمن مورد بررسی قرار می‌دهد. فرضیه‌های این تحقیق شامل روابط مثبت میان بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل و بی‌تفاوتی سیاسی به عنوان متغیر وابسته می‌باشد که در پایان محقق به این نتیجه دست یافت که رابطه معنادار میان بی‌تفاوتی سیاسی و بیگانگی وجود دارد.

- زانگ و چن (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان بی‌تفاوتی سیاسی مردم شهر پکن، عوامل مؤثر بر آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. آنها در این تحقیق متغیرهای زمینه‌ای (سن، سطح تحصیلات، درآمد) را در کنار شاخص‌های دیگری نظیر موقعیت اجتماعی افراد از نظر شغلی، وابستگی حزبی افراد، احساس اثربخشی، رضایت اجتماعی به عنوان متغیر مستقل و بی‌تفاوتی سیاسی را به عنوان متغیر وابسته مورد استفاده قرار داده‌اند. نتایج تحقیق مذکور حکایت از این دارد که بین شاخص‌های مورد استفاده به عنوان متغیر مستقل و بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد، به این مفهوم که احساس اثربخشی در بین افراد، رضایت اجتماعی آنها و متغیرهای زمینه‌ای نظیر شغل، سن افراد و... از عواملی هستند که میزان بی‌تفاوتی سیاسی مردم شهر پکن را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

جمع‌بندی پیشینه‌های تحقیق:

از نکات قوت پژوهش‌های داخلی و خارجی یاد شده جمع‌آوری اطلاعات موضوعی و مقیاس‌های اندازه‌گیری آنها است که بسترهای مناسب و مفیدی را برای اجرای بهتر تحقیق آشکار می‌سازند؛ و از آن جایی که رفتار بی‌تفاوتی به عنوان یک آسیب مهم اجتماعی در جوامع مدرن مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است، از این رو تحلیل این رفتار در جامعه‌ای چون ایران به کاوش‌های بومی بیشتری نیاز دارد. به نظر می‌رسد که در این پژوهش دو نکته که تا حدی بیانگر نوآوری آن است وجود دارد. اول این که متغیر مستقل (بی‌هنجاری) مشخصاً با سه بُعد و تأثیر آن بر متغیر وابسته (بی‌تفاوتی) مورد سنجش قرار گرفته است؛ و دوم، این مطالعه می‌تواند منجر به تدوین و ساخت ابزاری جامع برای سنجش متغیر وابسته به صورت معیار قرار گیرد.

مبانی نظری پژوهش

در این پژوهش برای بررسی عامل تأثیرگذار بی‌هنجاری اجتماعی و ابعاد سه‌گانه آن (بی‌معنایی، بی‌اعتمادی، بی‌قدرتی) بر میزان بی‌تفاوتی اجتماعی و تبیین آن از نظریه‌های متعددی استفاده شد.

دیدگاه دورکیم :

دورکیم به پدیده آنومی و ضعف هنجاری در جامعه مدرن توجه نشان داد و علاوه بر عوامل ساختاری بر لزوم کنترل و الزام‌های درونی از طریق بسط نظام‌های اعتقادی و دینی در جامعه نیز تأکید داشت. کاهش در اعتقادات و دین‌داری افراد، زمینه بی‌هنجاری را فراهم می‌سازد. لذا داشتن التزام به هنجارهای دینی و انجام مناسک مذهبی در افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی کنشگران تأثیر اساسی دارد. دورکیم به شدت بر این نکته تأکید داشت که ویژگی اخلاقی، پیوستگی‌های میان افراد را حفظ می‌کند. او محاسبه منطقی سود و زیان را رد می‌کند: انسانها بدون سپاس از یکدیگر، فداکاری متقابل، تقویت پیوندهای‌شان با یکدیگر و داشتن پیوستگی‌های با دوام نمی‌توانند رشد کنند

(دورکیم، ۱۹۶۴: ۲۲۹). از نظر دورکیم بی‌هنجاری در دو سطح قابل تمیز است: (۱) بی‌هنجاری در سطح فردی؛ نشانگر حالتی فکری است که در آن احساسات فرد نسبت به خود وی سنجیده می‌شود. چنین حالتی همراه با اختلافات و نابسامانی‌هایی در سطح فردی است و فرد نوعی احساس ناهنجاری، پوچی و بی‌قدرتی را تجربه می‌کند. (۲) بی‌هنجاری در سطح اجتماعی؛ نشانگر نوعی اختلال و بی‌هنجاری جمعی است. در چنین وضعیتی هنجارهای اجتماعی از بین رفته یا در تضاد و ستیز قرار می‌گیرند و افراد به‌سختی می‌توانند بین آرزوهای خود و انتظارات متناقض جامعه، سازگاری پدید آورند و در نهایت ممکن است به رفتارهای نابهنجاری دست‌زده و خود را از عضویت در جامعه برکنار دارند. در چنین شرایطی همبستگی و وابستگی فرد و جامعه از بین می‌رود و ارزش‌ها و هنجارهای سنتی قدرت و نفوذ خود را در جهت حمایت از افراد از دست می‌دهند. جامعه‌هایی که در آنها به طور گسترده بی‌هنجاری وجود داشته باشد، در خطر متلاشی شدن قرار می‌گیرند، زیرا اعضای آن جامعه برای نیل به مقاصد مشترک، خطوط راهنما در اختیار ندارند و اغلب مواقع احساس جدایی و بی‌جهتی می‌کنند (ستوده، ۱۳۹۹: ۴۰).

دیدگاه مرتن^۱:

مرتن بی‌تفاوتی اجتماعی را معادل با کناره‌گیری افراد دانسته و آن را به این صورت تعریف می‌کند: بی‌تفاوتی اجتماعی یعنی نفی هر دو طرف طیف (اهداف و شیوه‌های نهادی شده) توسط افراد جامعه. زمانی که هم اهداف و هم شیوه‌های نهادی شده در جامعه مورد قبول افراد جامعه نباشد در این صورت بی‌تفاوتی اجتماعی رخ می‌دهد (نادری و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۶). از آن جا که وسایل مشروع به طور یکسان در اختیار همه نیست، موجب بروز ناکامی، احساس سرخوردگی و رفتار ناهنجار می‌شود. شکاف میان اهداف، ضوابط و امکانات، شکل‌گیری بی‌هنجاری را در پی دارد. وی خود بیگانگی را مبین گسیختگی و نبود تجانس بین اهداف و ابزار رسیدن به آنها می‌داند؛ به طوری که میان ابزار (وسایل) و اهداف (رفع نیازها) تناسب وجود ندارد. این وضعیت، موجب

گسیختگی فرد و اجتماع، دوری، بیگانگی و افراد از یکدیگر خواهد شد (میرزاپوری، ۱۳۹۵: ۱۰۶).

دیدگاه ملوین سیمن^۱ و نظریه بی‌تفاوتی:

سیمن با کمک گرفتن از مفهوم بیگانگی کوشیده است ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه جدید را مسئول ایجاد شرایطی بداند که در آن انسان قادر به فراگیری نحوه و چگونگی کنترل عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیست. از طرفی نحوه کنترل و مدیریت جامعه بر سیستم پاداش اجتماعی به گونه‌ای است که فرد نمی‌تواند ارتباطی بین رفتار خود و پاداش مأخوذه از جامعه برقرار کند و در چنین وضعیتی است که احساس بیگانگی بر فرد مستولی می‌گردد و او را به کنشی منفعلانه، ناسازگارانه و خشونت‌آمیز در مقابل جامعه سوق می‌دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۵۲).

در همین راستا، سیمن، در یکی از مقالات خود طبقه‌بندی معروفی بیان کرده و در آن، شش متغیر را در بیگانه کردن انسان مؤثر برشمرده است. هر یک از این متغیرها به تنهایی یا در ارتباط با متغیرهای دیگر در بروز بیگانگی مؤثرند: احساس بی‌قدرتی^۲؛ به حالتی اطلاق می‌شود که فرد احساس می‌کند در وضعیت‌های مختلف اجتماعی و در کنشهای متقابل با دیگران تأثیرگذار نیست؛ یعنی نمی‌تواند بر محیط اجتماعی خود تأثیر بگذارد. احساس بی‌معنایی^۳؛ در این حالت، فرد احساس می‌کند هیچ راهنمایی برای انتخاب سلوک و عقیده خود ندارد بنابراین دچار ابهام و تردید می‌شود و نمی‌تواند در تصمیم‌گیری، عقیده خود را با استانداردهای فرهنگی - اجتماعی موجود در جامعه وفق دهد. احساس بی‌هنجاری^۴؛ به حالتی گفته می‌شود که فرد احساس می‌کند با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بیگانه شده است؛ یعنی شخص احساس تنهایی می‌کند و می‌خواهد از دیگران کناره‌گیری کند. فردی که از جامعه کناره‌گیری می‌کند یا به اصطلاح می‌گریزد، بدین معناست که به شیوه‌های کارکردی جامعه اعتقادی ندارد و چون نمی‌تواند این

1 . Seeman, M

2 . Powerlessness

3 . Meaninglessness

4 . Normlessness

روابط و اهداف را نفی کند، کناره‌گیری اختیار می‌کند. ممکن است فرد، این حالت انفعالی را به همه چیز تعمیم دهد و همه هدف‌های زندگی اجتماعی خویش را رها کند و در لاک خود فرو رود. خود بی‌زاری^۱: به حالتی گفته می‌شود که شخص نسبت به احساس واقعی، علاقه‌ها و باورهایش بیگانه می‌شود و به طور کلی نسبت به خود احساس بیگانگی می‌کند؛ در چنین وضعیتی، شخص از خویشتن خویش جدا می‌شود زیرا او از هیچ چیز به خاطر خود آن چیز لذت نمی‌برد. به عبارت دیگر، این نوع از بیگانگی حالت فردی است که کار می‌کند بدون آن که به ارزش واقعی کار خود واقف گردد. حالت دیگر این است که فرد در انجام فعالیت‌هایی که او را ارضا می‌کند، احساس ناتوانی کند. در چنین حالتی، فرد بخت و فرصت لازم را برای ابداع و تولید محصولی که او را راضی و خرسند سازد، ندارد و به نوعی در احساس انزجار از روابط اجتماعی تولید گرفتار است و به بی‌زاری از خود دچار می‌شود. تنفر فرهنگی از نظر سیمن احساسی است که طی آن فرد نسبت به باورها و اهدافی که در یک جامعه خاص ارزشمند و دارای پاداش اجتماعی است، اعتقاد نازلی دارد. به عبارتی آنچه که نزد سایر مردم با ارزش است، در نظر فرد دارای یک چنین احساسی، بی‌ارزش یا دارای ارزش کمتری است (سیمن، ۱۹۵۹: ۷۸۸).

مک لگان و نل^۲ (۱۳۷۷) با این عنوان که «بی تفاوتی نوعی تهدید است»، به مسأله تمایل افراد به عدم دخالت در امور و پذیرش مسئولیت اشاره کرده‌اند. هم چنین مانچ^۳ پدیده‌ای مانند بی تفاوتی اجتماعی را بیانگر بی‌احساسی، بی‌هدفی، کاهش قدرت تصمیم‌گیری و به عبارت بهتر نوعی افسردگی اجتماعی^۴ می‌داند (مانچ، ۱۹۸۸).

پارسونز و نظریه مسئولیت‌پذیری اجتماعی

نظریه کنش اجتماعی توسط تالکوت پارسونز معرفی شده است. پارسونز علاقه داشت که نظریه کنش را از رفتارگرایی متمایز سازد. رفتار دلالت بر واکنش مکانیکی در

-
- 1 . Self-Estrangement
 2. Mc Legan & Nel
 - 3 . Munch
 - 4 . Social depression

برابر محرکها دارد، حال آن که اصطلاح کنش بر یک فراگرد فعالانه، خلاقانه و ذهنی دلالت می‌کند. پارسونز نظریه کنش را برای بررسی نظم اجتماعی با ادغام جنبه‌های ساختاری و ارادی عوامل خرد و کلان ایجاد کرد. به نظر پارسونز، گرچه کنشگر در چارچوب نظام عمل می‌کند؛ اما عمل او جنبه ارادی و عقلانی دارد و دارای خلاقیت و اختیار و نیروی ارزشیابی است. در واقع، به نظر پارسونز دو نوع روش یا شیوه عمل در برابر فرد وجود دارد که یکی براساس انگیزه‌های شخصی استوار است و دیگری عملی که بر منافع اجتماعی متکی است. به اعتقاد وی، در تحلیل نهایی، فرد همواره راهی را در پیش می‌گیرد که منطبق با خواست نظام اجتماعی است. به عبارت دیگر، انگیزه‌های فرد با ارزشهای موجود در نظام اجتماعی انطباق می‌یابد و به همین دلایل نظام اجتماعی پایدار می‌ماند. در عین حال، کنش اجتماعی جنبه عقلانی دارد و افراد همواره تمامیت و هدفی را در رفتار خود دنبال می‌کنند. پارسونز فرهنگ را نیروی عمده‌ای می‌انگاشت که عناصر گوناگون جهان اجتماعی و یا به تعبیر خودش، نظام اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد. به عقیده پارسونز، هنجارها و ارزشها در جهت تعیین‌گزینه‌ها و وسایل دستیابی به اهداف نقش بازی می‌کنند. پارسونز بیان کرد که کنش چیزی جز کوشش در جهت تطبیق با هنجارها نیست (ریترز، ۱۳۷۳: ۱۳۹). وی هم چنین تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را از ویژگی‌های شخصیتی افراد می‌دانست که تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی قرار دارد. پارسونز مسئولیت‌پذیری افراد و نهادها را برای نظم بخشیدن به نظام اجتماعی امری مهم می‌دانست. وی در کتاب نظام اجتماعی، نظم اجتماعی را به اجزا خردتر تجزیه می‌کند و عقیده دارد هر یک از آنها در داد و ستد با اجزا دیگر قرار دارند و ضمن رفع نیازهای یکدیگر، به رفع نیازهای کل نظام اجتماعی نیز کمک می‌کند. پارسونز عقیده دارد درون هر یک از خرده نظام‌ها، کنشگران با توجه به موقعیتهای خود ایفای نقش می‌کنند. تعهد یا همان مسئولیت‌پذیری اجتماعی در رفتار کنشگران در قالب موقعیتهای اجتماعی، جایی که عرصه تعاملات و کنش‌های اجتماعی است، قابل بررسی است. هم چنین معتقد است هر گاه در موقعیتهای اجتماعی کنشهای اظهاری فرد معطوف

به دیگران باشد، به همکاری بیشتر و انسجام با دیگران می‌انجامد. در این کنشها مسئولیت و وفاداری به حد اعلی خود می‌رسد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۴۵).
ساسول^۱:

به نظر ساسول، هر چقدر افراد از نظر میزان احساس عدم اثربخشی و بدبینی نسبت به چیزی یا کسی در سطح بالایی باشند، در این صورت زمینه برای بستر سازی بیگانگی افراد و بی‌تفاوتی نسبت به مسائل اجتماعی فراهم خواهد آمد. گسترش چنین وضعی سبب می‌شود که هنجارهای اجتماعی که سلوک فردی را نظم می‌بخشند، درهم‌شکسته شده یا تأکید خود را به عنوان قاعده رفتار از دست بدهند. لذا فرد در شرایطی قرار می‌گیرد که به درون خویش پناه برده و بد بینانه همه پیوندهای اجتماعی را نفی کند. همراه با این وضعیت، اعتماد اجتماعی که لازمه آن وجود ضمانت‌های هنجاری متقابل است، کاهش یافته و افراد مشارکت کم‌تری در روابط اجتماعی خواهند داشت؛ زیرا احتمال مورد استثمار قرار گرفتن توسط دیگران هر لحظه وجود دارد. در چنین شرایطی تعهدات افراد کاهش یافته و احساس بی‌اعتنایی و بی‌علاقگی نسبت به مشارکت‌های اجتماعی - سیاسی در افراد افزایش می‌یابد (ساسول، ۲۰۰۳: ۱۰۱).

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق:

دو مفهوم بی‌هنجاری به عنوان متغیر مستقل و بی‌تفاوتی اجتماعی به عنوان متغیر اصلی وابسته این پژوهش جهت تعریف مفهومی و معرفی شاخص‌های سنجش‌پذیر مورد توجه قرار گرفته است:

بی‌هنجاری: واژه آنومی (Anomie) ریشه یونانی - لاتین دارد و در آن A به معنای بی (یعنی حرف نفی‌کننده) و nomos به معنی قاعده، نظم، قانون یا هنجار می‌باشد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۳). آنومی از نظر ریشه لغوی به معنای فقدان هنجارها (Normlessness) و قوانین است و در فارسی معادل‌هایی چون نابهنجاری و نابسامانی یافته است

(ساروخانی، ۱۳۸۰: ۱۳). آنومی به فقدان هنجار یا بی‌هنجاری اطلاق می‌شود. این به معنی عدم وابستگی شخص و جامعه است که به چندپاره شدن جامعه می‌انجامد. این اصطلاح توسط دورکیم در کتاب تأثیر گذار وی خودکشی (۱۸۹۷) مشهور شد. آنومی به عنوان حالتی ذهنی از بی‌هنجاری تعریف می‌شود که احساس‌های بریدن از اجتماع^۱، ناامیدی^۲، جدا افتادگی^۳، بیگانگی از نهادهای اجتماعی و احساس بی‌قدرتی^۴ را در بر می‌گیرد (سرول^۵، ۱۹۵۶). برای احساس بی‌هنجاری در این پژوهش سه بُعد در نظر گرفته شده است: عبارتند از: بی‌معنایی، بی‌اعتمادی، بی‌قدرتی.

بی‌معنایی: بی‌معنایی احساسی انسانی است که آدمی در برابر معنای زندگی با خلا مواجه می‌شود. بی‌معنایی یا پوچ‌انگاری یا آبسوردیسم^۶ به تعارض بین تمایل نوع انسان برای جستجوی ارزش درونی و معنا در زندگی و ناتوانی انسان در یافتن آن اطلاق می‌شود و بی‌معنایی با ۶ گویه در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت سنجیده شد.

بی‌اعتمادی: بی‌اعتمادی پدیده‌ای است روان‌شناختی که فرد اطمینان به خود را از دست می‌دهد و به ناتوانی خود اذعان می‌کند. در چنین فرایندی توان حرکت و خلاقیت از فرد سلب می‌گردد و او به موجودی بی‌تحرك، خنثی و فاقد معیار تبدیل می‌گردد. بی‌اعتمادی با ۶ گویه در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفت.

بی‌قدرتی: سیمن بی‌قدرتی را حالتی می‌داند که فرد احساس می‌کند در وضعیت‌های مختلف اجتماعی و در کنش‌های متقابل با دیگران قدرت تأثیرگذاری لازم را ندارد و نمی‌تواند بر محیط اجتماعی خود تأثیر بگذارد و در نتیجه نسبت به مسائل پیرامون خود بی‌تفاوت می‌شود (ستوده، ۱۳۸۰: ۲۲۲). برای سنجش این متغیر از ۵ گویه در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت استفاده شد.

-
1. social detachment
 2. hopelessness
 3. separation
 4. powerlessness
 - 5 . Srole
 - 6 . Absurdism

بی تفاوتی اجتماعی: بی تفاوتی ترجمه‌ای از واژه‌ی انگلیسی *apathy* است و بسته به این که از چه زاویه و با چه رویکردی به پدیده بی تفاوتی بنگریم، تعریف آن تفاوت خواهد کرد. هارولد کاپلان و بنیامین سادوک آن را «حالتی از نبود احساس درونی و عاطفه، عدم علاقه و درگیری هیجانی نسبت به محیط خود» تعریف نموده‌اند که به گفته آنان در انواع خاصی از اسکیزوفرنی و افسردگی مشاهده می‌شود. هم چنین بی تفاوتی را نوعی تصور، طرز تلقی یا احساس تعریف کرده‌اند که از انتظار عدم تأثیرگذاری و تعیین کنندگی رفتار فرد در ایجاد نتایج یا دستکاری در واقعیت‌ها ناشی می‌شود (مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۱۵۲). بی تفاوتی اجتماعی در این پژوهش در سه بُعد مورد ارزیابی قرار گرفته است بی‌هدفی، کاهش قدرت تصمیم‌گیری و کاهش مسئولیت‌پذیری سیاسی. برای سنجش هر کدام از این ابعاد، ۵ گویه در قالب طیف پنج مرحله‌ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفت.

متغیر مستقل	ابعاد	گویه
بی‌هنجاری	بی معنایی	بعضی وقت‌ها واقعاً نمی‌دانم که معنای زندگی چیست. / امروزه اوضاع مردم، از هر لحاظ، روز به روز بدتر می‌شود. / هر کاری که انجام می‌دهم مرا به اهداف و نتایج مورد انتظار رهنمون نمی‌کند. / در بر خورد با معضلاتی که روز به روز در سطح جامعه در حال افزایش است، بیش از پیش احساس ناتوانی می‌کنم. / دانشجویان در کشور ما با مشکلات زیادی روبرو هستند این که برای رفع این مشکلات به مسئولین نامه بنویسیم هیچ فایده‌ای ندارد چون آن‌ها به فکر مردم نیستند. / به نظر من بیشتر مصوبات مجلس در جهت رفاه مردم تصویب نمی‌شوند.
	بی اعتمادی	نمی‌توانم به عنوان یک تحصیلکرده به اظهار نظرهای مقامات عالی رتبه‌ی کشور اعتماد کنم. / اکثر ماموران دولتی (افرادی که در ادارات هستند) به فکر مشکلات مردم عادی نیستند. / تجربه حکم می‌کند در انجام هر کار یا پروژه ای در سطح شهر هیچ شریک و همکاری نباید داشته باشیم. / تجربه ثابت می‌کند که در حال حاضر صحبت کردن از اعتماد چیزی بی‌بهره است. / به نظرم مسئولین دانشگاه، خیلی در مورد شعارهایی که می‌دهند، صادق نیستند. / به مسئولین کشور بی اعتماد شده‌ام. و فکر می‌کنم اصول زمینه‌های اعتماد طی این سالها در بین مردم کاسته شده است.
	بی قدرتی	به نظر من دنیا آنقدر سریع تغییر می‌کند که تصمیم‌گیری در مورد مسایل روزمره بسیار سخت است. / احساس می‌کنم جهان اطرافم در حال فرو ریختن و نابودی است. / این وضعیت اجتماعی - اقتصادی (طبقه‌ای) انسانهاست که سرنوشت آنها را تعیین می‌کند و نمی‌توان از آن فرار کرد. / هرکس باید تقدیر محتوم خود را بپذیرد. / مهم نیست که مردم چقدر در زندگی خود تلاش می‌کنند چون هیچ چیز ارزشمندی وجود ندارد که به خاطر آن تلاش کنیم.

متغیر وابسته	ابعاد	گویه
بی تفاوتی اجتماعی	بی هدفی	مطمئن نیستم، زمانی که می‌حشی در مورد مسائل شهروان مطرح می‌شود بتوانم کاری برای رفع و حل آن موضوع انجام دهم. / مردم شهرم در قبال پیشرفت و توسعه شهر، از نظر هم‌فکری با مسئولین شهر خودشان را ناتوان می‌بینند. / هر گونه اظهار نظر در زمینه‌های مرتبط با مسائل اجتماعی - سیاسی و فرهنگی شهروان خودداری می‌کنم. / هیچ‌علاقه‌ایی به مقوله‌های مرتبط با مشارکت و درگیری در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی ندارم. / هر کاری که انجام می‌دهیم مرا به اهداف و نتایج مورد انتظار رهنمون نمی‌کند.
	کاهش قدرت تصمیم‌گیری	در هنگام بروز مشکلات در خصوص مسائل اجتماعی و سیاسی، قدرت چندانی برای تصمیم‌گیری ندارم. / برای تصمیم‌گیری درانتخاب‌کنانیداهای انتخاباتی دچار سر در گمی و احساس ناتوانی می‌کنم. / به توانایی و قدرت خود در رابطه با مسائل جامعه اطمینان کامل ندارم. / وقتی مشکل حادی برای من پیش بیاید مطمئن نیستم که بتوانم آن را به تنهایی حل کنم. / مطمئن هستم که توانایی فایق آمدن بر مشکلات غیر مترقبه زندگی را طی زمان حال و آینده را نداشته باشم.
	مسئولیت ناپذیری سیاسی	در جمع‌های دوستانه نسبت به مسائل سیاسی جاری نظر خود را ابراز نمی‌کنم. / احساس می‌کنم برای شرکت در مسایل سیاسی موانعی وجود دارد. / هیچ‌علاقه‌ایی به مقوله‌های مرتبط با مشارکت و درگیری در فعالیتهای سیاسی ندارم. / علاقه‌ای به پیگیری اخبار و وقایع سیاسی از رسانه‌ها را ندارم. / تغییر و تحولات و مسائل روز سیاسی در نظرم چندان اهمیتی ندارد.

فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی مؤثر است.

فرضیه‌های فرعی:

- ۱- به نظر می‌رسد بی‌معنایی بر بی‌تفاوتی اجتماعی مؤثر است.
- ۲- به نظر می‌رسد بی‌اعتمادی بر بی‌تفاوتی اجتماعی مؤثر است.
- ۳- به نظر می‌رسد بی‌قدرتی بر بی‌تفاوتی اجتماعی مؤثر است.

۴- به نظر می‌رسد متغیرهای زمینه‌ایی هم چون: جنس، وضعیت تأهل و سطح درآمد بر بی‌تفاوتی اجتماعی مؤثر است.

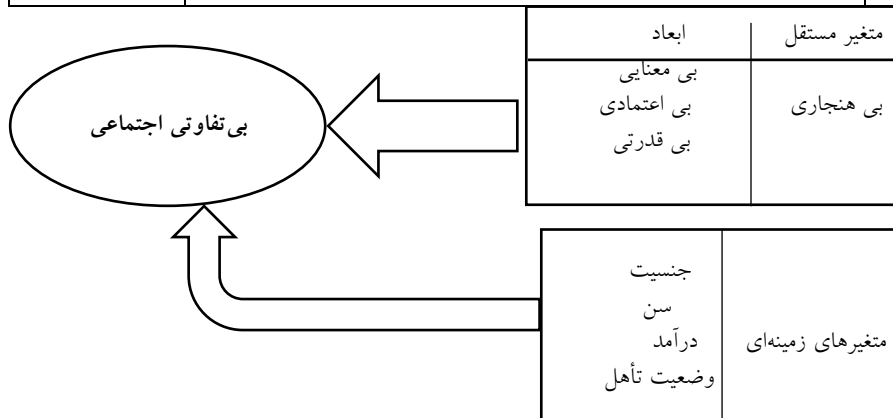
چارچوب نظری:

سالمیتز (۲۰۰۰) علائم بی‌تفاوتی را عبارت از نداشتن آگاهی، انگیزه، التزام و تعهد مدنی، مسئولیت‌های اجتماعی و عمل اجتماعی که شامل حق انتخاب هم می‌شود دانسته‌اند. این امر، به‌خصوص برای گروه‌های سنی ۱۸ تا ۲۴ سال مشهود است. از این رو، جهت سنجش بی‌تفاوتی اجتماعی از تعریف ارائه شده توسط سالمیتز (۲۰۰۰) و محسنی تبریزی (۱۳۹۰) اقتباس شده است که شامل سه مؤلفه بی‌هدفی، کاهش قدرت تصمیم‌گیری و کاهش مسئولیت‌پذیری سیاسی است.

نظریه‌های ذکر شده در باب بی‌تفاوتی اجتماعی، گویای ابعاد متنوع و متکثری هستند که بر پیدایش یا افزایش مسئله بی‌تفاوتی اجتماعی و عوامل اثر گذار بر آن تأکید می‌ورزند. آنومی به عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین متغیر در یک جامعه در حال گذار است بر اساس نظریات مرتن و دورکیم این وضعیت را موقعیتی می‌دانند که افراد ناتوان در انتخاب الگوی رفتاری مناسب می‌شوند و در این وضعیت دست به انتخاب‌های گاه خطرناک برای خود یا برای جامعه می‌زنند. یکی از این انتخاب‌های ناگوار برای جامعه بی‌تفاوت شدن نسبت به آن و عدم مشارکت در جامعه است. مشارکت نداشتن در جامعه، سلامت جامعه را به خطر می‌اندازد. بنا برنظر پارسونز در جامعه آنومیک به دلیل بی‌ثباتی، اعتماد اجتماعی کاهش می‌یابد و یا از افراد سلب می‌شود و نتیجه‌ای جز از بین رفتن انسجام اجتماعی ندارد. در چنین جامعه‌ای افراد نه تنها به مبادله یا یکدیگر نمی‌پردازند بلکه نسبت به جامعه بی‌تفاوت می‌شوند. هم‌چنین در رابطه با مفهوم بی‌هنجاری اجتماعی نیز از نظریات ملوین سیمن استفاده شد و سه مؤلفه بی‌معنایی، بی‌اعتمادی و بی‌قدرتی برای بررسی انتخاب شد.

جدول (۱) چارچوب نظری و فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌ها	شرح نظریه	نظریه
بی‌معنایی بر بی‌تفاوتی اجتماعی مؤثر است.	عمده مفهوم بیگانگی را می‌توان با عنوان بی‌معنایی تعریف کرد؛ در این حالت، فرد احساس می‌کند هیچ راهنمایی برای انتخاب سلوک و عقیده خود ندارد بنابراین دچار ابهام و تردید می‌شود و نمی‌تواند در تصمیم‌گیری، عقیده خود را با استانداردهای فرهنگی - اجتماعی موجود در جامعه وفق دهد و هر چقدر بی‌معنایی در افراد بیشتر شود بی‌تفاوتی و بیگانگی در افراد افزایش می‌یابد (اقتباس از سیمن، ۱۹۵۹).	سیمن
بی‌اعتمادی بر بی‌تفاوتی اجتماعی مؤثر است.	هرگاه در موقعیتهای اجتماعی کنشهای اظهاری فرد معطوف به دیگران باشد، به همکاری بیشتر و انسجام با دیگران میانجامد. در این کنشها مسئولیت، وفاداری و اعتماد به حداعلی خود میرسد و در غیر این صورت فرد نسبت به جامعه و هنجارهای موجود بی‌اعتماد می‌شود و از فعالیتهای اجتماعی کناره‌گیری می‌کند بدین معنا که با کاهش اعتماد بی‌تفاوتی افراد بیشتر می‌شود (به نقل از توسلی، ۱۳۸۲).	پارسونز
بی‌قدرتی بر بی‌تفاوتی اجتماعی مؤثر است.	هر چقدر افراد از نظر میزان احساس عدم اثربخشی و بدبینی نسبت به چیزی یا کسی در سطح بالایی باشند، در این صورت زمینه برای بسترسازی بیگانگی افراد و بی‌تفاوتی نسبت به مسائل اجتماعی فراهم خواهد آمد.	ساسول



روش تحقیق

در این مقاله روش پژوهش، پیمایش و تکنیک جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه است که با توجه به متغیرهای مورد نظر و معرف‌های مربوط به آن از آزمون‌های سنجش

نگرش از طریق طیف لیکرت استفاده شد. جامعه آماری، دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران شمال و تهران مرکز در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ هستند که در زمان انجام پژوهش جمعاً ۸۵۰۰۰ نفر بودند. حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۸۰ نفر تعیین شد. برای نمونه‌گیری از جامعه آماری در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده استفاده گردید. به این صورت که ابتدا سهم گروه‌های مختلف مانند رشته‌ها، مقاطع تحصیلی، واحد دانشگاهی و جنسیت از جامعه آماری مشخص شد و به همان نسبت در نمونه به آنها سهم اختصاص داده شد. سپس به روش تصادفی از بین طبقات نمونه‌گیری صورت گرفت (بعلت تنوع زیاد رشته‌ها و گرایش‌های تحصیلی در دو واحد دانشگاهی رشته‌ها به پنج گروه کلی تقسیم شدند). تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۱ انجام شد، به طوری که برای توصیف متغیرهای توصیفی از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی استفاده شده است و برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی و چندگانه، آزمون تفاوت میانگین مستقل T-Test و آزمون تحلیل واریانس یک طرفه آنوا استفاده شده است.

- اعتبار^۱ و پایایی^۲:

یکی از معیارهای درستی اندازه‌گیری مفاهیم، اعتبار معرف‌ها و پایایی آنهاست. برای برآورد اعتبار تجربی معرف‌ها، یکی از شیوه‌ها داوری اجتماع علمی است که در این تحقیق برای افزایش اعتبار محتوای پرسشنامه از موارد ذیل استفاده گردید:

- استفاده از نظرات استاد راهنما و استاد مشاور و کارشناسان پژوهشی

- مطالعه پرسشنامه‌های مشابه (استفاده از پرسشنامه‌های آزمون شده قبلی در پژوهش‌های مشابه)، مقالات.

در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری پایایی ابزار اندازه‌گیری از آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب آلفای مربوط به متغیرهای تحقیق همگی بیش از ۰/۷ بود. بنابراین با استناد به جدول (۲) و میزان آلفای کرونباخ برای شاخص‌های مورد بررسی باید اذعان

1 . validity
2 . reliability

داشت که میزان آلفا در مورد شاخص‌ها که بالاتر از ۰/۷ است نمایانگر پایایی آنها می‌باشد. برای سنجش پایایی از قابلیت‌های نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

جدول (۲) پایایی سؤالات مربوط به متغیرهای مورد بررسی

متغیر	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفا
بی‌معنایی	۶	۰/۸۴۴
بی‌اعتمادی	۶	۰/۸۸۴
بی‌قدرتی	۵	۰/۸۷۰
بی‌تفاوتی اجتماعی	۱۵	۰/۸۵۳

یافته‌های تحقیق

جدول (۳)، مشخصات جمعیت‌شناختی نمونه مورد بررسی تحقیق (دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و تهران شمال) است.

جدول (۳) توزیع فراوانی متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	گزینه‌ها	تعداد	درصد
جنس	زنان	۲۱۰	۵۵/۳
	مردان	۱۷۰	۴۴/۷
	کل	۳۸۰	۱۰۰
وضعیت تأهل	متأهل	۲۲۶	۵۹/۴۷
	مجرد	۱۵۴	۴۰/۵۳
	کل	۳۸۰	۱۰۰
سطح درآمد	کمتر از ۱ میلیون	۳۳	۸/۶۸
	۱ تا ۲ میلیون	۷۰	۱۸/۴۲
	۲ تا ۵ میلیون	۱۱۲	۲۹/۴۷
	۵ تا ۱۰ میلیون	۱۲۳	۳۲/۳۷
	بیشتر از ۱۰ میلیون	۴۲	۱۱/۰۵
	کل	۳۸۰	۱۰۰
سن دانشجویان			
میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
۳۲/۷۷	۷/۷۰۶	۲۰	۴۹

متغیر بی‌هنجاری اجتماعی شامل ۱۷ گویه در یک مقیاس ۵ درجه‌ای، با حد اقل نمره ۱۷ و حد اکثر ۸۵ تدوین شده است. طبق جدول (۴) نمره میانگین محاسبه شده برای متغیر مذکور ۶۰/۴۲ و بزرگتر از میانگین نظری به دست آمده است. هم‌چنین نمره میانگین محاسبه شده برای ابعاد بی‌معنایی و بی‌اعتمادی بزرگتر از میانگین نظری بوده ولی بعد بی‌قدرتی خیلی نزدیک به میانگین نظری به دست آمده است.

مقیاس بی‌تفاوتی اجتماعی متشکل از ۱۵ گویه از نوع لیکرتی، با حداقل نمره ۱۵ و حداکثر نمره ۷۵ به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین سطح تفاوتی اجتماعی را نشانگر ساخت. میانگین بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مقدار ۴۸/۰۱ به دست آمد که نمره میانگین محاسبه شده بزرگتر از میانگین نظری بوده است. هم‌چنین میانگین مولفه بی‌هدفی ۱۶/۳۶، کاهش قدرت تصمیم‌گیری ۱۵/۲۹ و کاهش مسئولیت‌پذیری ۱۵/۲۹ بوده است که تقریباً نزدیک میانگین نظری به دست آمدند و می‌توان گفت ابعاد بی‌تفاوتی اجتماعی در حد متوسط هستند. نسبت‌های توصیفی مقادیر آن در جدول (۴) مندرج است.

جدول (۴) توزیع پراکندگی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر	میانگین نظری
بی‌هنجاری	۶۰/۴۲	۱۰/۶۴	-۰/۴۸۰	۲۵	۸۰	۵۱
بی‌معنایی	۲۱/۹۱	۴/۳۶۶	-۰/۶۸۵	۸	۳۰	۱۸
بی‌اعتمادی	۲۳/۶۲	۳/۹۹۷	-۰/۷۲۷	۹	۳۰	۱۸
بی‌قدرتی	۱۴/۸۸	۴/۳۳۳	۰/۲۵۰	۷	۲۵	۱۵
بی‌تفاوتی	۴۸/۰۱	۱۰/۷۲	۰/۳۳۱	۲۰	۷۳	۴۵
بی‌هدفی	۱۶/۳۶	۳/۷۲۶	۰/۳۱۰	۵	۲۵	۱۵
کاهش قدرت تصمیم‌گیری	۱۵/۲۹	۴/۷۰۹	۰/۲۸۹	۵	۲۵	۱۵
کاهش مسئولیت‌پذیری	۱۶/۳۶	۴/۶۹۰	-۰/۰۱۵	۵	۲۵	۱۵

یافته‌های حاصل از آزمون همبستگی

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی مؤثر است. نتایج به دست آمده از انجام آزمون پیرسون در جدول (۵) بین دو متغیر بی‌هنجاری اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری را نشان می‌دهد. در این باره ضریب همبستگی برابر با ۰/۵۵۱ و سطح معناداری آن مطلوب می‌باشد ($p=۰/۰۰۰$). این نتایج نشان می‌دهد که این دو متغیر ارتباط مثبت و متوسطی با هم دارند؛ بدین معنا که با افزایش بی‌هنجاری، بی‌تفاوتی اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

جدول (۵) همبستگی بین بی‌هنجاری اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان

بی‌تفاوتی اجتماعی				متغیرها
χ^2	P	r	n	
۰/۳۰۳	۰/۰۰۰	۰/۵۵۱	۳۸۰	بی‌هنجاری

فرضیه‌های فرعی:

در این تحقیق، به منظور بررسی همبستگی میان متغیرها، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. ضرایب محاسبه شده برای این آزمون در جدول (۶) آورده شده است. با توجه به نتایج همبستگی میان متغیرهای تحقیق در این جدول، ملاحظه می‌شود که رابطه مثبت و معناداری بین ابعاد سه‌گانه بی‌هنجاری اجتماعی (بی‌معنایی، بی‌اعتمادی و بی‌قدرتی) با بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه میزان ابعاد سه‌گانه بی‌هنجاری اجتماعی بالاتر باشد، بی‌تفاوتی اجتماعی در دانشجویان افزایش خواهد یافت. بنابراین، فرضیه‌های ۱ تا ۳ تایید می‌شود.

جدول (۶) همبستگی بین بی‌معنایی، بی‌اعتمادی و بی‌قدرتی با بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان

بی‌تفاوتی اجتماعی				متغیرها	فرضیه‌ها
χ^2	P	r	n		
۰/۰۷۱	۰/۰۰۰	۰/۲۶۷	۳۸۰	بی‌معنایی	فرضیه اول
۰/۰۶	۰/۰۰۰	۰/۲۴۵	۳۸۰	بی‌اعتمادی	فرضیه دوم
۰/۱۵۸	۰/۰۰۰	۰/۳۹۷	۳۸۰	بی‌قدرتی	فرضیه سوم

متغیرهای زمینه‌ای و تأثیر آنها بر متغیر وابسته:

بر اساس آزمون ضریب همبستگی پیرسون انجام شده جدول (۷) ملاحظه می‌گردد، در رابطه بین سن و بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان سطح معنی داری آزمون $p = ۰/۰۳$ و زیر $۰/۰۵$ و مقدار $r = ۰/۱۰۷$ و $R^2 = ۰/۰۱۲$ می‌باشد. در نتیجه بین دو متغیر رابطه مستقیم و متوسط معنی داری وجود دارد و از روی سن دانشجویان به میزان ۱ درصد می‌توان میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در دانشجویان را پیش بینی نمود، که البته درصد بسیار ناچیزی است.

جدول (۷) همبستگی بین سن و بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان

سن				متغیرها
r	P	R^2	n	
۰/۱۰۷	۰/۰۳۷	۰/۰۱۲	۳۸۰	بی‌تفاوتی اجتماعی

بر اساس آزمون تفاوت میانگین مستقل t-test و مطابق جدول (۸)، میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در دانشجویان بر اساس جنس و وضعیت تأهل شان معنی دار نمی‌باشد و سطح معنی داری آزمون بزرگتر از $۰/۰۵$ گزارش شده است. بنابراین فرض H_0 تأیید و فرض تحقیق رد می‌شود.

جدول (۸) مقایسه میزان بی‌تفاوتی اجتماعی بر اساس جنسیت و وضعیت تأهل دانشجویان

متغیر	گزینه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	T مقدار	درجه آزادی	سطح معنی داری
جنس	زن	۲۱۰	۴۷/۲۸	۱۰/۲۵	۱/۲۴	۳۷۸	۰/۲۱۵
	مرد	۱۷۰	۴۸/۶۵	۱۱/۲۷			
وضعیت تأهل	متأهل	۲۲۶	۴۸/۳۴	۹/۴۲۳	۰/۹۴۰	۳۷۸	۰/۳۴۸
	مجرد	۱۵۴	۴۷/۲۴	۱۲/۴۰			

بر اساس جدول (۹) ملاحظه می‌گردد که میزان بی‌تفاوتی در دانشجویان با سطح درآمد کمتر از یک میلیون تومان برابر $۴۳/۳۹$ با انحراف استاندارد $۶/۳۸$ ، بین یک تا دو میلیون تومان برابر $۴۲/۹۴$ با انحراف استاندارد $۱۴/۸۷$ ، بین دو تا پنج میلیون تومان برابر

۵۰/۴۶ با انحراف استاندارد ۱۰/۱۶، بین پنج تا ده میلیون تومان برابر ۴۸/۴۲ با انحراف استاندارد ۸/۲۷ و بیش از ده میلیون تومان برابر ۵۱/۳۳ با انحراف استاندارد ۹/۳۶ گزارش شده است. مطابق با مقدار $F=۸/۵۷$ آزمون تحلیل واریانس یک طرفه و سطح معنی‌داری آزمون $P=۰/۰۰۰$ میزان بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان براساس سطح درآمدشان متفاوت است و دانشجویان با سطح درآمد بیش از ده میلیون بیشترین بی‌تفاوتی اجتماعی و دانشجویان با سطح درآمد بین یک تا ۲ میلیون کمترین بی‌تفاوتی اجتماعی را داشته‌اند.

جدول (۹) مقایسه میزان بی‌تفاوتی اجتماعی براساس سطح درآمد دانشجویان

سطح معنی‌داری	مقدار F	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	سطح درآمد
۰/۰۰۰	۸/۵۷	۶/۳۸۸	۴۳/۳۹	۳۳	کمتر از ۱ میلیون
		۱۴/۸۷	۴۲/۹۴	۷۰	۱ تا ۲ میلیون
		۱۰/۱۶	۵۰/۴۶	۱۱۲	۲ تا ۵ میلیون
		۸/۲۷۴	۴۸/۴۲	۱۲۳	۵ تا ۱۰ میلیون
		۹/۳۶۶	۵۱/۳۳	۴۲	بیشتر از ۱۰ میلیون
		۱۰/۷۳	۴۷/۹۰	۳۸۰	کل

بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان تا چه حد از روی ابعاد سه‌گانه متغیر بی‌هنجاری اجتماعی قابل تبیین است؟

به منظور تبیین بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان از روی مجموع ابعاد سه‌گانه بی‌هنجاری اجتماعی، از روش رگرسیون چند متغیره، به روش گام‌به‌گام^۱ استفاده شد. براساس نتایج آزمون انجام شده، رابطه معنی‌داری میان متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک مشاهده شد. همان‌طور که جدول (۱۰) نشان می‌دهد تحلیل رگرسیون تا یک گام پیش‌رفته است و از بین ابعاد سه‌گانه بی‌هنجاری اجتماعی بُعد بی‌قدرتی در مدل رگرسیونی باقیمانده است که میزان همبستگی آن با متغیر ملاک یا وابسته $R=۰/۳۹۷$ و ضریب تعیین

برابر $R^2=0/158$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $R^2(Ad)=0/155$ به دست آمده است. به عبارتی، براساس ضریب تعیین تعدیل شده، ۱۵/۵ درصد از تغییرات متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی به وسیله این بُعد از بی‌هنجاری اجتماعی یعنی بعد بی‌قدرتی تبیین می‌شود. این متغیر مستقل مانده در مدل رگرسیونی در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار هست، درحالی که میزان خطای سایر متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ درصد است و به همین دلیل وارد معادله رگرسیونی نشده‌اند. هم‌چنین طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده روابط بین متغیرها خطی است؛ زیرا مقدار آزمون F برای تعیین معنی‌داری اثر متغیرهای تأثیرگذار بر بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان در برابر تغییر برابر ۷۰/۷۷ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ = p می‌باشد. طبق جدول (۱۱) پیش‌بینی در مورد سهم متغیر مانده در مدل رگرسیونی در تبیین متغیر ملاک براساس ضریب بتا، ضریب بتای بی‌قدرتی برابر ۰/۳۹۷ درصد است. لذا سهم و نقش بُعد بی‌قدرتی در تبیین متغیر ملاک بسیار بیشتر از سایر متغیرها است.

جدول (۱۰) ضریب همبستگی چندگانه برای پیش‌بینی بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	مقدار F	سطح معنی‌داری	دوربین واتسون
۰/۳۹۷	۰/۱۵۸	۷۰/۷۷	۰/۰۰۰	۱/۸۵۹

جدول (۱۱) ضرایب متغیرهای رگرسیونی به روش گام‌به‌گام

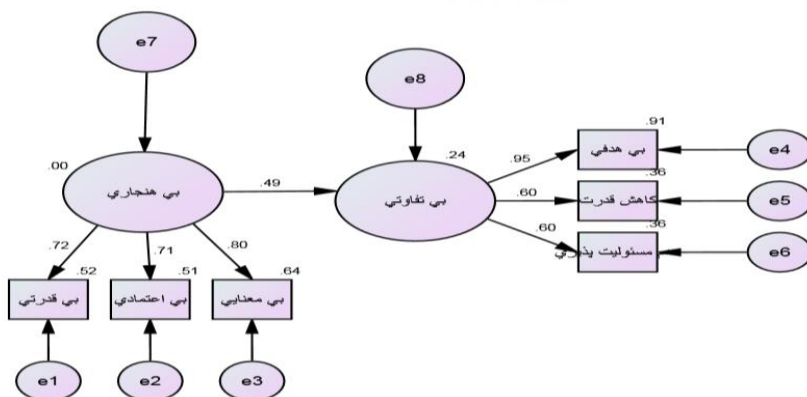
Sig.	t	ضرایب			متغیرهای مستقل
		ضرایب استاندارد شده	Std. Error	B	
۰/۰۰۰	۱۸/۳۵	--	۱/۸۱۲	۳۳/۲۵	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۸/۴۱۳	۰/۳۹۷	۰/۱۱۷	۰/۹۸۳	بی‌قدرتی

آزمون برازش الگوی مفهومی

برای تعیین کفایت برازندگی الگوی پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی استفاده شد، میزان برازندگی در شاخص $RAMSEA=0/122$ برآورد شد که برازش ضعیفی را نشان می‌دهد، چرا که اندازه‌های کمتر از ۰/۰۸ به معنای برازش خوب،

۰/۰۸ تا ۰/۱۰ برازش متوسط و بیش از ۰/۱۰ برازش ضعیف است. شاخص‌های نکویی برازش به دست آمده برای مدل تحقیق حاضر نشان می‌دهد که مقدار کای دو به دست آمده در مدل ($X^2=53/176$) با درجه آزادی (df=8) به دست آمده است. با توجه به شاخص‌های بدست آمده مدل از برازندگی ضعیفی برخوردار است.

X2=53.176 D.F=8 P=.000
RMSEA=.122



نمودار(۲) مدل برازش شده در حالت ضرایب استاندارد شده

بحث و نتیجه گیری

بی تفاوتی اجتماعی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که گریبان گیر جامعه ما شده است. چنین پدیده‌ای در جامعه با سابقه فرهنگی کهنی که دارد، می‌تواند بسیار نگران کننده باشد. بحث اساسی در این پژوهش بی تفاوتی اجتماعی است و آن چه از نتایج پژوهش حاضر بر می‌آید، این است که میانگین بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان بالاتر از حد متوسط است و افزایش وضعیت بی‌هنجاری در جامعه به صورت مستقیم و به واسطه متغیرهای بی معنایی، بی اعتمادی و بی قدرتی بر بی تفاوتی اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد، و این چیزی است که آبرال^۱ آن را موجب اختلالات شدید در جامعه و خطری جدی برای ساختارها می‌پندارد (ریتزر، ۱۳۷۳: ۱۲۷). نتایج نظری تحقیقی به صورت خلاصه در ادامه تشریح می‌گردد:

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد بی‌هنجاری اجتماعی بر بی‌تفاوتی اجتماعی مؤثر است.

مطابق یافته‌های به دست آمده، بی‌هنجاری اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری دارد به طوری که با افزایش بی‌هنجاری اجتماعی در دانشجویان میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آنها هم افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهش‌هایی که توسط زارع شاه‌آبادی و شهاب‌سامانی (۱۳۹۷)، نوابخش و میرزاپوری و لوکلا (۱۳۹۴)، فولادیان (۱۳۹۴)، محسنی تبریزی (۱۳۹۰)، محسنی تبریزی و صداقتی فرد (۱۳۹۰) و ون اسنپنبرگ و استچیروز (۱۹۹۵) انجام داده‌اند، در یک راستا قرار دارد. هم‌چنین با رویکردهای نظری سیمن، دورکیم، مرتن، مرتن، تامس، زیمل، زنانیکی منطبق است.

بر اساس نظریه زیمل، افراد ساکن در کلان‌شهرها، به خاطر این که تحت حمله و هجوم محرک‌های فشارزای روحی و روانی و هم‌چنین جسمانی قرار می‌گیرند و آستانه تحمل و مدارای خود را از دست می‌دهند، لذا در پاسخ و واکنش به این محرک‌ها، ناچار با بی‌علاقگی به امور محیط و بی‌توجهی به دیگران و در نتیجه با بی‌تفاوتی اجتماعی رفتار می‌کنند. این جا است که زیمل می‌گوید فرد منزوی، بلازه و سرخورده می‌شود. با تکیه بر نظریات و پیشینه‌های تجربی انجام یافته می‌توان گفت که بی‌هنجاری اجتماعی، زمینه‌ساز و شکل‌دهنده مسائل مختلف اجتماعی است. بی‌هنجاری وضعیتی است که در آن به دلیل ضعف حاکمیت هنجارها، تعارض میان آنها، فقدان هنجارهای صریح و روشن، التزام به قواعد اخلاقی و اجتماعی کاهش می‌یابد. چنین وضعیتی موجب ابهام و تردید در کنشهای اجتماعی افراد در جامعه و نهایتاً بی‌احساسی و بی‌تفاوتی افراد در عرصه‌های اجتماعی خواهد شد. عدم صراحت هنجارها در الگودهی به کنشهای اجتماعی موجب اجتناب افراد از وظائف و مسئولیتهای اجتماعی می‌گردد. چنین وضعیتی زمینه را برای بی‌هدفی، عدم مسئولیت‌پذیری، قانون‌گریزی، سردرگمی و ابهام در رفتار و نهایتاً انفعال در اجتماع فراهم می‌آورد. گسترش و توسعه بی‌هنجاری در اجتماع موجب می‌گردد تا افراد از وظائف و مسئولیتهای اجتماعی و مدنی خود شانه خالی کنند. افراد در وضعیت بی‌هنجاری اجتماعی به دلیل بی‌هدفی و عدم انگیزه و امید نسبت به نتایج

کنش‌های خود، علاقه‌چندانی برای مشارکت و صرف هزینه‌های فکری و زمانی در موقعیت‌های اجتماعی را ندارند، لذا در چنین وضعیتی بی‌تفاوتی اجتماعی در جامعه در حال بازتولید شدن است. هم‌چنین در این وضعیت به دلیل عدم وجود الگو و روش مشخص برای فعالیت‌های اجتماعی و هم‌چنین عدم کنترل نتایج کنش در عرصه اجتماع زمینه بی‌تفاوتی اجتماعی گسترش می‌یابد و افراد قادر به تصمیم‌گیری در مواجهه با موقعیت‌های اجتماعی نخواهند بود. آنها به دلیل نبود الگوی مناسب و پشتیبانی قانونی از کنشهای اجتماعی، از حضور فعال در عرصه‌های اجتماعی اجتناب خواهند ورزید.

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد بی‌معنایی بر بی‌تفاوتی اجتماعی مؤثر است.

بر اساس یافته‌های به دست آمده بی‌معنایی با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری دارد به طوری که با افزایش بی‌معنایی در دانشجویان میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آنها هم‌افزایش می‌یابد. در تحقیقات پیشین متغیر بی‌معنایی مشخصاً سنجیده نشده است و در قالب یک متغیر پنهان به نوعی آن را سنجیده‌اند به طور مثال ظهیری‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) در قالب تحلیل هزینه و پاداش بی‌معنایی را تعریف کرده‌اند که فرد ارتباطی بین رفتار خود و پاداش مأخوذه از جامعه نمی‌تواند برقرار کند و در چنین وضعیتی است که احساس بیگانگی بر فرد مستولی می‌گردد. هم‌چنین محسنی‌تبریزی و صداقتی‌فرد (۱۳۹۰) بی‌معنایی را در میزان اثربخشی اجتماعی فرد معنا کرده‌اند که هر قدر افراد جامعه سطح بالایی از عدم اثربخشی در فرایندهای اجتماعی - سیاسی را تجربه کنند، احتمال بیشتری برای بی‌تفاوتی اجتماعی و بیگانگی از مسائل اجتماعی وجود دارد. مایکلسون با اشاره به اهمیت مردم در مسائل اجتماعی - سیاسی، ظهور و بروز بی‌تفاوتی را در سایه نبود احساس اثربخشی در بین مردم عنوان می‌کند. زانگ و چن (۲۰۰۳) احساس اثربخشی در بین افراد را از عواملی دانستند که میزان بی‌تفاوتی اجتماعی مردم شهر پکن را تحت تأثیر قرار داده است که در این پژوهش مشخصاً برای اولین بار این متغیر به طور مستقل مورد آزمون قرار گرفت و با توجه به نظرات استفاده شده در چارچوب نظری این پژوهش، می‌توان آن را تبیین نمود.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد بی‌اعتمادی بر بی‌تفاوتی اجتماعی مؤثر است.

یافته‌ها نشان داد که بین متغیر بی‌اعتمادی و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد و افزایش بی‌اعتمادی باعث افزایش بی‌تفاوتی می‌شود. این یافته با نتایج تاج‌الدینی (۱۳۹۳) و صداقتی‌فرد (۱۳۹۰)، نبوی و همکاران (۱۳۹۳) هم‌خوانی دارد. نبوی و همکاران در پژوهش خود نیز به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی یکی از عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی است و مهم‌ترین مولفه سرمایه اجتماعی اعتماد است که رابطه‌ای منفی با بی‌تفاوتی اجتماعی دارد بدین معنا که هر چه اعتماد اجتماعی در میان افراد جامعه افزایش یابد بی‌تفاوتی اجتماعی در آن جامعه کاهش خواهد یافت. براساس نظریه‌های سرمایه اجتماعی و آراء آسلانر و مولیناس کاهش سرمایه اجتماعی در جامعه کاهش اعتماد، همبستگی، تعهد، نوع‌دوستی و همیاری را به دنبال خواهد داشت و هم چنین برای تبیین این فرضیه از نظرات اینگلهارت، پارسونز استفاده شد.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد بی‌قدرتی بر بی‌تفاوتی اجتماعی مؤثر است.

بی‌قدرتی با بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه مستقیم و معناداری دارد. یافته‌ها نشان داد که از روی بی‌قدرتی دانشجویان به میزان ۱۵ درصد می‌توان میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در دانشجویان را پیش‌بینی نمود. این نتیجه با نتایج پژوهش محسنی‌تبریزی (۱۳۹۰) و وایت‌دین (۲۰۰۸) همسو می‌باشد. آمارها نشان داد که این متغیر می‌تواند بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان را تبیین کند.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد متغیرهای زمینه‌ای هم چون: سن، جنس، سطح درآمد،

وضعیت تأهل بر بی‌تفاوتی اجتماعی مؤثر است.

چهار فرضیه بالا براساس متغیرهای زمینه‌ای تنظیم شده‌اند. هدف از تنظیم این فرضیه‌ها این بود که بررسی شود آیا متغیرهای زمینه‌ای هم می‌تواند بر بی‌تفاوتی اجتماعی افراد اثرگذار باشد یا خیر؟ هم چنین، با توجه به نظریه سرمایه‌بوردیو که از سه نوع سرمایه نام می‌برد، می‌توان فرضیه‌های زمینه‌ای که بر مبنای سنجش میزان درآمد، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل و سن افراد است را به نظریه بوردو استناد کرد.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای زمینه‌ای هم چون سن، وضعیت تأهل و جنسیت با میزان بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان تأثیر چندانی ندارد و در بین متغیرهای زمینه‌ای تنها سطح درآمد بود که نشان داد با تغییر میزان درآمد بی‌تفاوتی اجتماعی افراد هم تغییر می‌کند.

بر اساس نتایج این پژوهش افراد با تحصیلات بالاتر نسبت به مسائل پیرامون خود بی‌تفاوت تر هستند و به نوعی بی‌قیدی در افراد نسبت به قوانین، هنجارها، حوادث و اتفاقات اجتماعی، سیاسی و... مشاهده می‌شود به طوری که بیشتر مهاجرت‌ها در ایران به قشر تحصیل کرده، پزشکان و یا افرادی که درآمد بالاتری دارند مربوط می‌شود. پاتنام در کتاب «بولینگ یک نفره» می‌نویسد: در جوامعی که مهاجرت زیاد است سطح اعتماد مردم پایین می‌آید و مردم حتی از نزدیک ترین گروه‌ها و روابطشان دوری می‌کنند و به افرادی به شدت منفرد تبدیل می‌شود. در مورد علت مهاجرت پزشکان و قشر تحصیل کرده مباحثی مثل میزان درآمد ناکافی با توجه به افزایش هزینه‌ها و تورم بالا، نبود امکانات و تجهیزات پزشکی کافی و درآمد بسیار خوب در خارج از کشور، فراهم بودن تضمین کافی برای تأمین آینده خانواده و داشتن زندگی با ثبات و غیره مطرح است. بنا بر نظر سیمن بی‌تفاوتی اجتماعی ارتباط وثیقی به جهت دامنه با بی‌هنجاری دارد. از نظر دورکیم بی‌هنجاری باعث کمبود همبستگی می‌شود و با استناد به نظر زیمل وقتی هنجارها کم شود بی‌تفاوتی و دلزدگی بوجود می‌آید و بنا بر نتایج به دست آمده و یافته‌های توصیفی در این پژوهش نشان از وضعیت آنومیک در ایران دارد، به طوری که افزایش وضعیت بی‌هنجاری در جامعه به صورت مستقیم و به واسطه متغیرهایی هم چون بی‌قدرتی، بی‌اعتمادی و بی‌معنایی که بر طبق نظر سیمن از ابعاد بی‌هنجاری است بر بی‌تفاوتی اجتماعی در دانشجویان تأثیرگذار است. مسأله بی‌تفاوتی به ویژه بی‌تفاوتی جوانان می‌تواند منشأ بروز مشکلاتی در جامعه باشد؛ زیرا که قشر جوان، سرمایه‌های آینده و آینده سازان جامعه هستند در صورت بی‌تفاوتی آنها نسبت به مسائل اجتماعی، فرهنگی، کنشهای سیاسی، تعیین سرنوشت و حقوق خود و هم نوعان شان ممکن است جامعه

دچار رخوت و سستی شود، بی‌نظمی‌های فراوان در آن رخ دهد و در نهایت بقای جامعه مورد تهدید واقع شود. ولی اگر جوانان نسبت به کوچک‌ترین بی‌نظمی در جامعه واکنش نشان دهند، مسئولیت‌پذیر باشند، مشارکت‌فعال در امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... داشته باشند، به فکر هم‌نوعان خود در جامعه باشند و مسأله آنها را مسأله خود تلقی کنند جامعه پویایی خود را حفظ خواهد کرد و روزبه‌روز به رشد و توسعه دست خواهد یافت. از طرف دیگر مسأله بی‌تفاوتی، یکی از مسائل زندگی شهرنشینی است. در تیپولوژی جامعه تونس، جامعه گزلفاشافت جامعه ایی است که روابط مبتنی بر عقلانیت، منطق، حسابداری و تحلیل هزینه و فایده در آن حاکم است. افراد در این جامعه که نمونه بارز جامعه شهری است تمایل کمتری به درگیری در سیاست و اجتماع دارند و طبق نظریه پنجره شکسته، بی‌تفاوتی افراد در جامعه باعث بروز مسائل عمده شهری می‌شود. بنابراین برای حل مسائل زندگی شهری باید افراد درگیری فعالی در اجتماع داشته باشند و نسبت به اتفاقات اطراف خود بی‌تفاوت نباشند.

منابع

- ادهمی، عبدالرضا؛ صفاریان، محسن؛ مرادی، علی. (۱۳۹۹). شناخت رابطه بین فردگرایی و محرومیت نسبی با بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: جوانان شهر کرمانشاه). *فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات*، دوره: ۲۱، شماره: ۴۹، صص ۲۸۷-۲۵۵.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۹۵). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. ترجمه: مریم وتر، چاپ سوم، تهران: نشر کویر.
- تاج‌الدینی، حمید؛ انصاری، ابراهیم. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۳ شهر اصفهان). *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، دوره: ۴، شماره: ۱۲، صص ۱۷۸-۱۶۱.
- چلبی، مسعود. (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی نظم*. چاپ هشتم، تهران: نشر نی.
- دورکیم، امیل. (۱۳۹۸). *در باره تقسیم کار اجتماعی*. ترجمه: باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.

رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). **آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران: انتشارات سروش.**

ریتزر، جورج. (۱۳۷۳). **نظریه‌های جامعه‌شناسی.** ترجمه: احمدرضا غرویزاد. تهران: نشر ماجد. ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). **درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی.** تهران: انتشارات کیهان. ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۹۹). **روانشناسی اجتماعی.** چاپ بیستم، تهران: انتشارات آوای نور. صداقتی فرد، مجتبی. (۱۳۹۲). **بی تفاوتی اجتماعی. (معناکاوی، بنیان‌نظری، سبب‌شناسی).** اصفهان، بهتا پژوهش.

صداقتی فرد، مجتبی؛ محسنی تهریزی، علیرضا. (۱۳۹۰). **پژوهشی درباره بی تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی).** **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال ۲۲، شماره پیاپی (۴۳)، شماره سوم، صص ۲۲-۱.

ظهیری نیا، مصطفی؛ فاطمه، گلابی؛ رحیم، هدایت‌ایورق. (۱۳۹۴). **شناسایی عوامل مؤثر بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی. مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران**، شماره ۴۵، صص ۱۲۱-۸۶.

عنبزی، موسی؛ غلامیان، سارا. (۱۳۹۶). **تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی تفاوتی اجتماعی. بررسی مسائل اجتماعی ایران**، دوره هفتم، شماره دوم، صص ۱۳۳-۱۵۹.

عنبزی، موسی. (۱۳۹۷). **جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ**، تهران: انتشارات سمت. غفاری، غلامرضا؛ نیازی، محسن. (۱۳۸۶). **جامعه‌شناسی مشارکت.** تهران: نشر نزدیک. غفاری، غلامرضا؛ نیازی، محسن. (۱۳۸۸). **آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی- فرهنگی بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**، شماره ۱۸۲، صص ۱۸۲-۱۱۹.

مرتین، رابرت. (۱۹۶۹). **مشکلات اجتماعی و نظریه‌های جامعه‌شناختی.** ترجمه: نوین تولایی، تهران: نشر امیرکبیر.

مسعودنیا، ابراهیم. (۱۳۸۰). **تبیین جامعه‌شناختی بی تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی. اطلاعات سیاسی اقتصادی**، شماره ۱۶۷-۱۶۸.

محسنی تهریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). **وندالیسم، مبانی روانشناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و**

روانشناسی رفتار و نندالیستی در مباحث آسیب شناسی و کژ رفتاری اجتماعی. تهران: انتشارات آن.

مک لگان، پاتریشیا و کریستونل. (۱۳۷۷). *عصر مشارکت*. (مصطفی اسلامی). تهران: دفتر پژوهش‌های مشارکت فرهنگی.

میرزاپوری، جابر. (۱۳۹۵). *بی تفاوتی اجتماعی در ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی. نادری، حمدا...؛ بنی فاطمه، حسین؛ حریری اکبری، محمد. (۱۳۸۸). *الگوسازی ساختاری رابطه بیگانگی و بی تفاوتی اجتماعی*. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره ۱۴، صص ۶۰ - ۲۹.

نبوی، عبدالحسین؛ نواح، عبدالرضا؛ امیرشیرزاد، نرگس. (۱۳۹۳). *بررسی عوامل مؤثر بر بی تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر دزفول)*. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۵، شماره ۳، صص ۱۶۱-۱۳۲.

Chen, J & Zhong, Y. (2003). *Mass Political Interest (Or Apathy) In Urban China Communist and Post C-Communists Studies*, Vol 32.

Dean, Dwight. G. (2008). *Alienation and Political Apathy*. *Social Force*, Vol 38, No3.

Durkheim, E. (1964). *The Division of Labor in Society*. Glencoe, IL, Free Press.

Jessica M.F. and Lindsay C.K. (2018). *Social isolation and loneliness in later life: A parallel convergent mixed methods case study of older adults and their residential contexts in the Minneapolis metropolitan area*. *USA, Social Science & Medicine*, Vol. 208 pp, 25-33.

Lipset, Seymour Martin. (1963). *Political Man the Social Bases of Politics*. Anchor Books, New York.

Munch, Richard. (1988). *Understanding Modernity*. London: m : Routledge.

Sarfaraz, A, Ahmed, sh. (2012). *Reasons for political interest and apathy among university students: A Qualitative study*. *Pakistan journal of social psychology*, vol 10, no, 1, 61-67.

Southwell, P.L. (2003). *The Politics Of Alienation: Nonvoting And Support For Third-Party Candidates Among 18-30 Years Old*. *The*

Social Science Journal, Vol; 40, PP: 99-107.

Seeman, M. (1959). On the meaning of alienation. **American sociological review**, vol 24.

Simons, R. L., Congr, R. D., Whit Becht, I.B. (2007). A Multistage Social Learning Model of Influences of Family and Peers upon Adolescent Substance Abuse. **Journal of Drug**

Issues. 18, 293-315.

Zheltnina,A. (2020).The Apathy Syndrome: How We Are Trained Not to Care about Politics. **Social Problems**, Volume 67, Issue 2, Pages 358–378.